



عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد

چکیده

هدف این تحقیق بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (در حوزه های خدمات شهری، محیط زیست) و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان ۱۸ تا ۶۴ ساله شهر مشهد می باشد. روش انجام این تحقیق، پیمایش (توصیفی - تبیینی) است. جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان شهر مشهد تشکیل داده و حجم نمونه ۳۴۸ نفر می باشد که به شیوه نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم از سطح شهر مشهد انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفته اند. پایایی و روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش اعتبار صوری و آلفای کرانباخ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که میانگین میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری ۳,۱۹ (در بازه ۰-۴) است که نشان دهنده مشارکت زیاد مردم در امور شهری است، همچنین نتایج حاصل از آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای احساس بی قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری و احساس خوداثربخشی شهروندی و مشارکت پاسخگویان رابطه معنی داری وجود دارد. یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مؤثرترین متغیر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، رضایت از عملکرد شهرداری با ضریب تأثیر ۰,۳۱۹ می باشد و بعد از آن متغیرهای عضویت انجمنی، احساس بی قدرتی، آگاهی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و سن با توجه به مقدار ضریب تأثیر در رده های بعدی قرار دارند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد، در صورتی که شهرداری بتواند میزان رضایت شهروندان را از عملکرد خود افزایش داده و نگرش مثبتی در آنان ایجاد کند، احتمال افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری افزایش خواهد یافت.

کلمات کلیدی: وقف، فضاهای عمومی، کلانشهر مشهد

مدیریت توسعه و پژوهش

گروه مطالعات برنامه ریزی و توسعه پایدار شهری

کد گزارش: 21 Urb-90

تاریخ گزارش: 1390/09/5

مقدمه

«انسان موجودی اجتماعی است تا جایی که او را «مدنی الطبع» تعریف کرده اند. (نوغانی و دیگران، به نقل از کاردان، ۱۳۸۷) تعریف یاد شده به این خاطر است که انسان همواره به صورت جمعی زندگی کرده و نیازهای خود را به وسیله دیگران و به مدد آنان رفع کرده است. با این همه از دیرباز در مورد منشأ این زندگی اجتماعی میان متفکران مسائل اجتماعی و دانشمندان علوم اجتماعی اختلاف نظر وجود داشته و دارد. آنچه مسلم است و ظاهراً همگی در آن اتفاق نظر دارند، این است که چه آدمی طبعاً متمایل به زندگی اجتماعی باشد و چه بر اثر عوامل بیرونی به این حالت سوق داده شده باشد، برای آنکه این گرایش به تحقق بپیوندد، آموختن اجتماعی زیستن و مشارکت در امور جامعه به او لازم و ضروری است». (اصغرپور، ۱۳۸۶)

«بررسی کوتاه از سیستم های مدیریتی در شهرهای بزرگ دنیا، حاکی از آن است که اکثراً مدیرانی مقتدر، مستقل و مردمی بر این شهرها حکومت می کنند. مدیریت شهرها حتی در شهرهای کوچک نیز برای اداره شهر، از هیچ نهاد یا سازمانی دستور نمی پذیرد. بررسی تجربیات کشورهایی که با استفاده از اهرم مشارکت مردم، به مبارزه با مسایل و مشکلات شهری برخاسته اند، حاکی از آن است که مدیریت شهری بیش از اراده سیاسی، نیازمند مشارکت مردمی است». (رضویان، ۱۳۸۱)

بیان مسئله

گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال های اخیر، به ویژه افزایش جمعیت در شهرهای بزرگی همانند شهر مشهد، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که مدیریت شهری امروزی در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش های سنتی و معمول گذشته این مشکلات را حل کرده و در ارائه خدمات یکسویه موفقیتی بدست آورد. آن چه امروزه توسعه و بهره وری خدمات شهری را تضمین می کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت های شهری است. (رضایی، ۱۳۷۵)

شهر مشهد نیز از جمله شهرهایی است که هر ساله بر تعداد جمعیت آن افزوده می شود به طوریکه طبق آمارهای سازمان برنامه ریزی و مدیریت در سال ۱۳۷۵، جمعیت نقاط شهری استان خراسان رضوی، ۲۹۲۲۰۰۰ بوده است. اما این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۵۵۹۳۰۷۹ نفر رسیده است. یعنی در طول ده سال جمعیت شهری استان خراسان رضوی رشدی ۳۹/۸ درصدی داشته است. از سوی دیگر جمعیت مشهد بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ رشدی حدود ۲۲/۲ درصد نشان می دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). رشد شتابناک جمعیت شهری مشهد، هشدار می دهد که احتمال

بروز مشکلات مختص شهرهای بزرگ، انواع نابهنجاری‌های اجتماعی که در شهرهای میلیونی امکان وقوع دارند، ضمن آنکه ارائه خدمات به چنین جمعیتی به آسانی از عهده یک سازمان و آن هم به صورت یکطرفه بر نمی‌آید.

جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاریهای اجتماعی می‌شود که پایه های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علاقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود (اصغرپور، ۱۳۸۶) اشاره کرد.

تحقیقات انجام شده در زمینه مشارکت شهروندان در شهر مشهد نشان از میزان متوسط مشارکت مردم در امور شهری دارد. مثلاً تحقیق اصغر پور (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که میانگین میزان عمل مشارکتی مردم در طیف صفر تا ۱۰۰ برابر ۵۳ بوده است. با توجه به پیامدهای منفی و مثبت مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید دید با چه طرفنها و محرکهایی می‌توان ساکنین یک شهر را جهت مشارکت در امور عمومی شهر خود برانگیخت تا ضمن کاهش پیامدهای منفی عدم مشارکت آنان، به بهبود شرایط زندگی شهری هم برای شهروندان و هم برای سازمانهای مرتبط با آنان دست یافت.

تعریف مفهوم مشارکت:

بحث مشارکت به دو شیوه در چارچوب اجرایی جامعه ایران قابل بررسی است که یکی به صورت سنتی و دیگری به صورت مدرن می‌باشد. در دیدگاه سنتی مشارکت یا یاری رسانی در جامعه کهن ایرانی جزء لاینفک زندگی اجتماعی جامعه ایرانی بوده است. مشارکت سنتی و کهن در جامعه ایرانی بیشتر حالت متقابل و دوسویه را داشته است یعنی کمک در عوض کمک. «دوسویه بودن (معرض و متقابل بودن کمک ها) و تغییر جای یاری دهنده و یاری گیرنده در زمان افقی بودن کنش یاری، یعنی همتراز بودن نسبی یاری دهنده و یاری گیرنده یا یاری دهندگان و یاری گیرندگان از صفات جوهری همیاری است (فرهادی، ۱۳۸۰)

در دیدگاه مدرن بحث مشارکت مفهومی جدید است و عمدتاً در بعد از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه پایدار مطرح می‌گردد.

از " مشارکت " تعاریف و تفسیرهای بسیاری به عمل آمده است. گستردگی مفهومی و وجود تفسیرهای متعدد یکی از ویژگیهای این مفهوم است.

«مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری می باشد. فرهنگ انگلیسی اکسفورد مشارکت را، کنش یا واقعیت شرکت کردن و سهم داشتن در چیزی معنی نموده است. (رهنما، ۱۳۷۷).

بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کیفیت و کمیت زندگی در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فراگردی است که بواسطه آن مردم پذیرای دگرگونی در خود و جامعه می شوند. (طوسی، ۱۳۸۰)

از منظر جامعه شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چندسویه است.

اصطلاح مشارکت را آلن بیرو به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف کرده است به نظر آلن بیرو از منظر جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد، مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد (بیرو، ۱۳۶۶).

فرایند مشارکت به عنوان فراگرد توانمندسازی بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد. یکی از باارزش ترین جنبه های مشارکت، از میان بردن در حاشیه بودن، انسداد و شکوفا نمودن نیروی ابتکار و خلاقیت در انسانهاست. انسانها زمانی بیشتر به خود اعتماد پیدا می کنند و بیشتر آرمانهای خلاق ارائه می دهند که در زمینه تصمیم گیری مشارکت پیدا کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳).

در یک جمع بندی از تعاریف مربوط به مشارکت، می توان گفت که مشارکت مردم در امور شهری به شرح زیر تعریف می شود:

شرکت فعالانه دو جانبه و همکاری متقابل میان شهرداری و شهروندان مشهدی در حوزه های مختلف مدیریت شهری (حوزه خدمات شهری، حوزه فعالیت های عمرانی، حوزه رفاه اجتماعی، حوزه تأمین ایمنی شهر، حوزه محیط زیست و حوزه نظارتی) جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی شهرنشینان، که باعث نظارت آنان بر سرنوشت خویش و پرورش نیروی ابتکار و خلاقیت و پذیرش مسئولیت در میان آنان می شود و در واقع نوعی توزیع قدرت بین سازمان شهرداری و شهروندان مشهدی می باشد.

همکاری دو جانبه مردم با سازمان شهرداری در زمینه هایی همانند جمع آوری زباله، پرداخت عوارض، بازیافت زباله، درج انتقاد و پیشنهاد، شرکت در انتخابات شورای شهر، ایجاد، نگهداری و حفظ فضای سبز، حفاظت از اموال عمومی شهر و که این همکاری و مساعدت داوطلبانه بوده و هدف شهروندان از انجام آن دستیابی به منافع شخص یا جمعی می باشد، ضمن اینکه نوع این همکاری می تواند همکاری مالی، همکاری فکری یا تأمین نیروی انسانی مورد نیاز جهت انجام پروژه های شهری باشد.

عوامل مؤثر بر مشارکت:

عوامل مؤثر بر مشارکت به دو دسته متغیرهایی که اصالتاً درونی هستند (روانشناسی اجتماعی) و متغیرهایی که از محیط بیرونی و اجتماعی فرد ناشی شده اند تقسیم می شوند:

در بخش متغیرهای درونی یا روانشناسی اجتماعی مشارکت به طور گسترده به نظریاتی که متغیر بی قدرتی را به عنوان یک متغیر مهم اثرگذار بر مشارکت می دانند اشاره شده است. این دسته از نظریات به نظریات وبری معروف هستند که در آن بر نظام باورها، گرایش ها و اندیشه ها تأکید می شود..

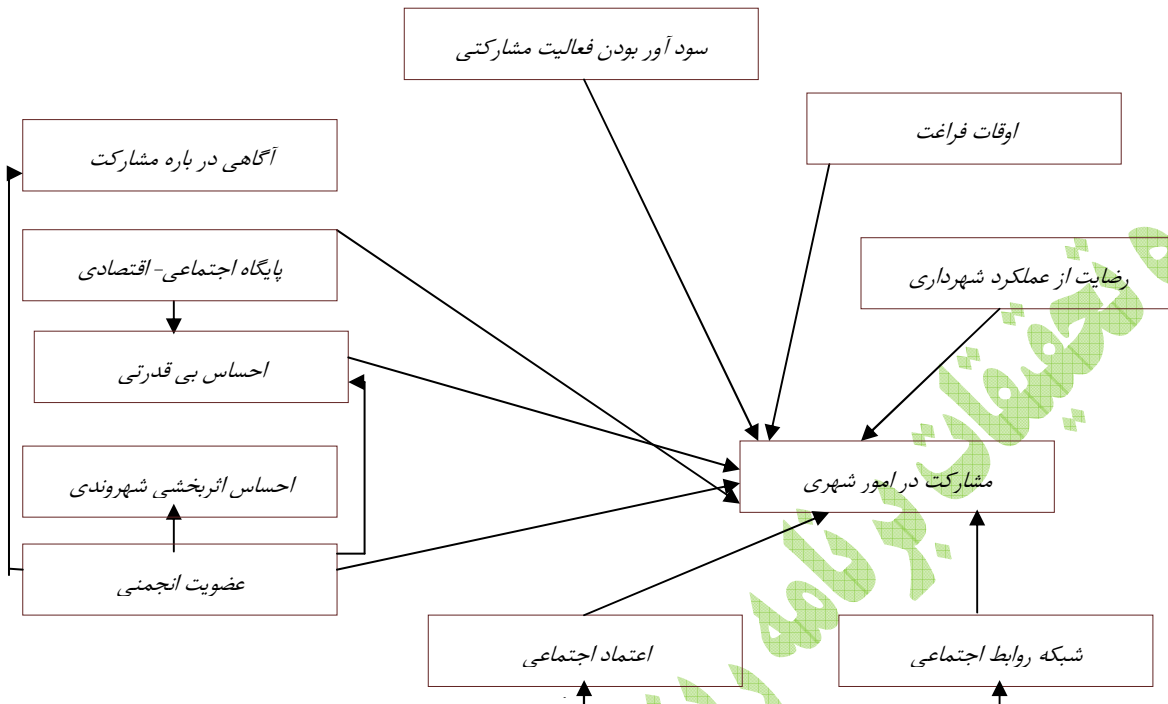
در بین متغیرهای درونی یا روانشناختی مشارکت نظریاتی که به ارزیابی فایده - هزینه مشارکت اشاره کرده اند نیز مورد بررسی واقع شده اند. از جمله نظریاتی که در این زمینه بحث کرده است نظریه کنش عقلانی می باشد که مهمترین نظریه در این رویکرد، از آن هومنز است.

دسته دوم متغیرهایی که بر مشارکت تأثیر می گذارند متغیرهای اجتماعی یا متغیرهای بیرون از شخص می باشند. در این راستا یکی از متغیرهای مهم متغیر عضویت انجمنی است. متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز از سوی برخی از نظریه پردازان به عنوان عامل اثرگذار بر مشارکت افراد شناخته شده است و در دسته متغیرهای اجتماعی یا بیرونی نسبت به شخص قرار می گیرد.

آخرین متغیر از دسته متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت، متغیر اعتماد اجتماعی است که در اکثر تحقیقات تجربی انجام شده مرتبط با موضوع بدان اشاره شده است. با توجه به نظریه سی مور مارتین لیپست تأثیر ویژگیهای فردی بر مشارکت نیز باید مورد تأکید قرار گیرد.

در مجموع می توان عوامل اثرگذار بر مشارکت را در قالب یک مدل مفهومی ترسیم نمود:

مدل مفهومی مشارکت



یافته ها و نتایج

یافته های حاصل از این تحقیق در قالب جداول خلاصه شده و مختصر در ذیل گزارش شده اند:

نتایج مربوط به عوامل مؤثر بر مشارکت:

- میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در حد زیادی است به طوریکه میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری ۳,۱۹ است.

- میانگین اعتماد اجتماعی مردم مشهد ۲,۸۱ است که نشان دهنده اعتماد کم آنان به شهرداری است.

- میانگین عضویت انجمنی مردم مشهد ۰,۸۷ است که نشان می دهد مردم مشهد عضویت انجمنی بسیار پایینی دارند.

- میانگین احساس تعلق مردم به مشهد ۳,۸۴ است که نشان میدهد مردم مشهد تعلق شهری بالایی دارند.

- میانگین احساس بی قدرتی مردم مشهد ۳,۸۴ است که نشان دهنده احساس بی قدرتی بالا در بین شهروندان است

- میانگین رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری ۳,۲۷ است که نشان می دهد مردم مشهد از عملکرد شهرداری - رضایت متوسطی دارند.

- میانگین سودآورد بودن فعالیت مشارکتی مردم مشهد ۳,۵۸ است که نشان می دهد سودآور بودن فعالیت مشارکتی برای مردم مشهد مهم است. (برای مردم مشهد مهم است که عمل مشارکتی آنان با شهرداری حتما برای آنان سود و فایده ای به دنبال داشته باشد)

- میانگین احساس خوداثربخشی مردم مشهد در حد ۳,۸۱ است که نشان می دهد شهروندان مشهدی احساس خوداثربخشی بالایی دارند.

- میانگین میزان آگاهی شهروندان در رابطه با مشارکت در امور شهری ۰,۹۸ است که نشان دهنده شناخت ضعیف شهروندان از شیوه ها و زمینه های مشارکت در امور شهری است.

- مهمترین اطلاعاتی که مردم مشهد جهت همکاری با شهرداری بدان نیاز دارند اطلاعات در رابطه با مهارتها و تواناییهای مورد نیاز جهت مشارکت است.

- از نظر اکثر مردم مشهد مهمترین دلیل عدم مشارکت شهروندان یا پایین بودن مشارکت آنان در امور شهری نگرش منفی به شهرداری و نارضایتی از آن می باشد.

بررسی میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهر

نتایج کسب شده نشان می دهد که میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری ۳,۱۹ است، بدین معنی که مشارکت آنان در امور شهری از حد متوسط بیشتر می باشد.

بررسی میزان مشارکت مردم در امور شهری شهر مشهد

سطح معناداری	مقدار t	آزمون t تک نمونه ای				
		خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	نام متغیر
۰۰۰	۳۶,۳۰۵	.03281	.61199	3.1910	348	مشارکت در امور شهری

نتایج حاصل از آزمونهای آماری در رابطه با عوامل مؤثر بر مشارکت

- یعنی هرچه سن افراد بیشتر باشد مشارکت آنان در امور شهری بالاتر است.

- هرچه شبکه روابط اجتماعی شهروندان گسترده تر باشد (افراد از روابط اجتماعی بیشتری برخوردار باشند) مشارکت آنان در امور شهری بیشتر است.

- یعنی هرچه اعتماد اجتماعی شهروندان بیشتر باشد مشارکت آنان در امور شهری بیشتر است.

- هرچه افراد عضویت انجمنی بیشتری دارند، مشارکت بالاتری در امور شهری خواهند داشت.
- هرچه افراد احساس خوداثربخشی شهروندی (یعنی احساس کنند که حضور آنان و اقداماتشان تأثیرات مثبتی در حوزه شهری خواهد داشت) بیشتری داشته باشند مشارکت بالاتری در امور شهری خواهند داشت.
- هرچه رضایت شهروندان مشهودی از عملکرد شهرداری بیشتر باشد مشارکت آنان در امور شهری بیشتر است.
- هرچه احساس بی قدرتی (احساس کنند که در مقابل سازمان شهرداری و مسئولین آن از هیچ قدرتی برخوردار نیستند و نمی توانند در تصمیمات شهری سرنوشت ساز بوده و مؤثر باشند) شهروندان بیشتر باشد میزان مشارکت آنان در امور شهری کمتر است و برعکس.
- هرچه میزان آگاهی شهروندان از مشارکت در امور شهری بیشتر باشد مشارکت آنان نیز بالاتر خواهد بود.
- هرچه افراد به پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتری متناسب باشند مشارکت بیشتری در امور شهری خواهند داشت.
- هرچه عضویت انجمنی شهروندان بیشتر باشد میزان آگاهی آنان از مشارکت در امور شهری نیز بیشتر است.
- هرچه پایگاه اجتماعی اقتصادی شهروندان بیشتر باشد احساس بی قدرتی آنان نیز کمتر است.
- هرچه عضویت انجمنی مردم مشهود بیشتر باشد احساس بی قدرتی در آنان کمتر است.
- به عبارت دیگر هرچه شبکه روابط اجتماعی مردم گسترده تر باشد اعتماد اجتماعی آنان نیز بیشتر است.

پایگاه اجتماعی اقتصادی شهروندان

نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیه
سن	مشارکت در امور شهری	۰,۱۴۳	۰,۰۰۸	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
تعداد سالهای سکونت در این محله	مشارکت در امور شهری	۰,۰۵۵	۰,۳۰۵	رد
تعداد سالهای سکونت در مشهد	مشارکت در امور شهری	۰,۰۲۱	۰,۷۰۳	رد
تعداد ساعات وقت آزاد در روز	مشارکت در امور شهری	-۰,۰۷۱	۰,۲۰۵	رد
شبکه روابط اجتماعی	مشارکت در امور شهری	۰,۳۷۴	۰,۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
اعتماد اجتماعی	مشارکت در امور شهری	۰,۳۱۵	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
عضویت انجمنی	مشارکت در امور شهری	۰,۴۲۵	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
احساس تعلق به مشهد	مشارکت در امور شهری	۰,۰۲۹	۰,۵۹۶	رد
احساس خوداثربخشی	مشارکت در امور شهری	۰,۱۶۵	۰,۰۰۲	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
سودآور بودن فعالیت مشارکتی	مشارکت در امور شهری	۰,۰۴۰	۰,۴۶۱	رد
رضایت از عملکرد شهرداری	مشارکت در امور شهری	۰,۴۳۸	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
احساس بی قدرتی	مشارکت در امور شهری	-۰,۳۸۷	۰۰۰	تأیید جهت رابطه معکوس است)
آگاهی	مشارکت در امور شهری	۰,۱۹۵	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	مشارکت در امور شهری	۰,۲۳۶	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
عضویت انجمنی	آگاهی	۰,۱۶۹	۰,۰۰۲	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	احساس بی قدرتی	-۰,۲۰۲	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه معکوس است)
عضویت انجمنی	احساس بی قدرتی	-۰,۱۷۸	۰,۰۰۱	تأیید (جهت رابطه معکوس است)
شبکه روابط اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰,۲۷۸	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)

مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم مشهد در امور شهری:

نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای عضویت انجمنی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی‌قدرتی، اعتماد اجتماعی، آگاهی، سن و شبکه روابط اجتماعی مهمترین متغیرهایی هستند که بر میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری تأثیر می‌گذارند. و در بین این متغیرها مؤثرترین متغیر بر میزان مشارکت مردم در امور شهری رضایت از عملکرد شهرداری است.

جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس نتایج کسب شده عواملی همچون سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، احساس خوداثربخشی شهروندی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی‌قدرتی، آگاهی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت مردم در امور شهری تأثیر دارند.

مهمترین نتیجه به دست آمده این است که یک دلیل عمده افزایش مشارکت مردم در امور شهری، رضایت متوسط آنان از عملکرد شهرداری می‌باشد. عدم رضایت شهروندان از یک نهاد دولتی به ویژه شهرداری که بیشترین رویارویی و برخورد را با شهروندان یک شهر دارد باعث ایجاد نگرش منفی در میان مردم شده و این نگرش منفی باعث ایجاد واکنش‌های انفعالی از سوی ساکنین یک شهر می‌شود که یک نمونه این عکس‌العمل‌های منفعلانه عدم مشارکت و همکاری با شهرداری یا مشارکت‌های سطح پایین با این سازمان است.

سازمان شهرداری در شهر مشهد به گونه‌ای عمل کرده است که احساس ناتوانی و بی‌قدرتی مردم در مقابل این سازمان را به وجود آورده است، رواج این تفکر که مردم در مقابل سازمانهای دولتی و به ویژه نهاد شهرداری هیچ توانایی ندارند و حرف و سخن یا عمل آنان هیچ تغییری در سیاست‌های این سازمانها به وجود نمی‌آورد واکنش‌های منفعلانه را در میان ساکنین شهر افزایش داده و تمایل مردم به مشارکت و همکاری با شهرداری را بسیار کم‌رنگ نموده است.

مدیریت شهری مشهد نتوانسته است اعتماد مردم به نهادهای دولتی را افزایش دهد و در این زمینه بسیار ضعیف عمل کرده است، نتایج نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی اکثر ساکنین شهر مشهد در حد کم است، عدم اعتماد مردم به سازمانهای دولتی یکی دیگر از دلایل واکنش‌های انفعالی آنان می‌باشد. زمانی که میزان اعتماد افراد به یکدیگر و همچنین به نهادی که در واقع دلیل تأسیس آن افزایش رفاه ساکنین یک شهر است پایین می‌باشد، دلیلی برای

برخوردهای فعالانه مردم در رابطه با این نهاد وجود ندارد و آنان ترجیح می دهند که بیشتر نظاره گر اعمالی باشند که در شهر آنان بدون دخالت یا اظهار نظر در زمینه این اعمال از سوی شهرداری و یا نهادهای دیگر اجرا می شود. اعتماد اجتماعی مردم و شبکه روابط اجتماعی آنان رابطه متقابل با یکدیگر دارند. زمانی که میزان اعتماد اجتماعی افراد با یکدیگر کم است، حوزه تعاملات میان افراد نیز کاهش می یابد همچنین عدم اعتماد مردم به نهادهای دولتی از میزان تعاملات مردم با این نهادها می کاهد و زمانیکه شبکه این تعاملات یا روابط کاهش پیدا کند مشارکت یا همکاری مردم با آنها نیز کاهش خواهد یافت. کاهش شبکه روابط یا تعاملات اجتماعی به نوبه خود مجددا باعث کاهش اعتماد مردم به یکدیگر و نهادهای دولتی از جمله شهرداری خواهد شد.

شهرداری مشهد نتوانسته است ساکنین این شهر را در قالب اعضای سازمان ها و انجمن های متعدد و متنوع سازمان دهی کند، و یا اگر این کار را انجام داده است موفقیت چندانی در اجرای این طرح نداشته است. نتایج نشان می دهد که میزان عضویت انجمنی اکثر ساکنین شهر مشهد در حد کم است. هرچه عضویت انجمنی ساکنان یک شهر در محافل مختلف بیشتر باشد زمینه واکنش ها و عکس العمل های فعالانه به میزان بیشتری در آنها ایجاد خواهد شد. همچنین عضویت انجمنی افراد در مکانهای مختلف باعث افزایش آگاهی آنان نسبت به امور مختلف خواهد شد. زمانی که افراد نسبت به جوانب یک پدیده به طور کامل آگاهی و شناخت داشته باشند قدرت اجرا و عمل در آنها افزایش می یابد، نتایج نشان می دهد که میزان آگاهی مردم نسبت به پدیده مشارکت در امور شهری کم و ناچیز می باشد و همین عدم آگاهی نسبت به این موضوع سبب شده است که آنان مشارکت چندانی در امور شهری نداشته باشند.

در مجموع می توان گفت که رضایت مردم از عملکرد شهرداری اعتماد اجتماعی مردم را افزایش خواهد داد. افزایش اعتماد مردم باعث گسترده تر شدن روابط اجتماعی آنان می شود. همچنین عضویت انجمنی مردم میزان آگاهی آنان را افزایش خواهد داد و بنابراین از احساس بی قدرتی آنان در مقابل شهرداری خواهد کاست.

پیشنهادات

- ۱- ایجاد شوراهای محلی در محلات و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها و افزایش میزان آگاهی آنان
- ۲- اطلاع رسانی در زمینه شیوه های مشارکت مردم در امور شهری از طریق تبلیغات تلویزیونی و
- ۳- احترام به آرا و نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و کاهش احساس ناتوانی و بی قدرتی آنان
- ۴- رفع نقائص موجود در شهر که سبب ایجاد مشکلات مختلف برای شهروندان و افزایش اعتماد آنان شده است

- ۵- شهرداری مشهد می تواند با از بین بردن این تفکر در مردم که شهرداری فقط به فکر منافع خودش است و فقط می خواهد از مردم پول بگیرد، زمینه های افزایش همکاری و مشارکت مردم را فراهم کند.
- ۶- پیگیری خواسته ها و مطالبات مردم در حد توان و رفع مشکلات آنان جهت تغییر نگرش آنان به شهرداری
- ۷- افزایش تعاملات مستقیم و چهره به چهره مسئولین با مردم در قالب ایجاد شوراهای محلی و ایجاد این احساس در مردم که مسئولین دلسوز آنان می باشند.

فهرست منابع

۱. ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷
۲. اصغریپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۶)، راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان، طرح پژوهشی مرکز پژوهشهای شورای اسلامی شهر مشهد
۳. بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت.
۵. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران، مؤسسه اطلاعات
۶. رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، مدیریت عمران شهری، تهران، انتشارات پیوند نو.
۷. رهنما، محمدهاشم (۱۳۸۱)، موانع تاریخی مشارکت اجتماعی مردم ایران، مجموعه مقالات گردهمایی دولت و مشارکت مردمی، جلد اول، نشر آن
۸. شفیعی، شفیعی (۱۳۸۵)، بررسی جامعه شناسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد رودهن،
۹. صدقی، جواد. شریف زاده، فتاح (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مجله مطالعات مدیریت، شماره ۵۹.
۱۰. طوسی، محمد علی (۱۳۸۰)، مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۱. عباس زاده، محمد (۱۳۸۰)، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

۱۲. علوی، علیرضا(۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). جلد دوم، تهران: سازمان شهرداری های کشور.

۱۳. فرهادی، مرتضی (۱۳۸۰)، واره، تهران، دفتر مطالعات و برنامه ریزی وزارت جهاد کشاورزی

۱۴. محسنی تبریزی، علیرضا. طباطبایی، محمود. مرجایی، سیدهادی(۱۳۸۵)، نظریه های روان شناختی و رویکردهای تلفیقی مشارکت، مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره اول.

۱۵. نوغانی، محسن(۱۳۸۷)، میزگرد مشارکت اجتماعی شهروندان، سایت سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد.

۱۶. نوغانی، محسن. حسینی، سید کمال الدین. کیوان، غلامرضا. ایمانیان، مسعود(۱۳۸۷)، شهر، شهروند، مشارکت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

- Felisa U. Etemadi (2000) Civil society participation in city governance in Cebu City: Environment&Urbanization Vol 12 No 1
- Kelli L. Larson, Denise Lach (2008), Participants and non-participants of place-based groups: An assessment of attitudes and implications for public participation in water resource management, journal of environmental management 88, 830-817
- M.Lockhart, Stacy (2003), Factors Affecting Participation In city Recycling Programs, A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College for the degree of Master of Science in The Department of Environmental Studies B.S., Niagara University
- Marschall, Melissa. J (2007), Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods, The University of Utah, published by sage
- Montalvo, Daniel (2008), Citizen Participation in Municipal Meetings, American Barometer insights: NO 4, Vanderbilt University (USAID)
- Paula Bortoleto, Ana. Hanaki, Keisuke (2007), Report: Citizen participation as a part of integrated solid waste management: Porto Alegre case, Department of Urban Engineering, The University of Tokyo, Tokyo, Japan